



## کلمات هم معنی

کشور = میهن

نام = اسم

عزیز = گرامی

اکنون = حالا

موفق = پیروز

شروع = سر آغاز

شادی = نشاط ، شادابی

پروردگار = خدا

یاری = کمک

سپاس گزارم = تشکر می کنم

## کلمات هم معنی

پاسخ : جواب  
پرسش : سوال  
پیشنهاد : نظر  
رایانه : کامپیوتر  
دانا : عالم  
تشکر : سپاسگزاری  
مفید : سودمند  
ویژه : مخصوص

کتابخانه : محل نگهداری کتاب  
آرام : آهسته  
با نظم : مرتب  
وارد : داخل  
آموزگار : معلم  
احوال پرسی : پرسیدن حال کسی

## کلمات هم معنی

محلّه: قسمتی از شهر  
خوشحال: شاد  
اولین: نخستین  
خارج: بیرون  
رایانه: کامپیوتر  
طرف: سمت

امام جماعت: پیش نماز  
کودکان: بچه ها  
تشکر: سپاسگزاری  
هم فکری: مشورت  
جماعت: دسته جمعی ، گروهی  
سخنان: حرف ها ، صحبت ها

## کلمات هم معنی

خوش حال: شاد  
کندو: لانه‌ی زنبور  
کثیف: آلوده  
بیمار: مریض  
پاکیزه: تمیز  
شاداب: سرحال

کوچولو: کوچک  
بارها: چندین دفعه  
دلیل: علت  
بجنگد: مبارزه کند  
بقیه: ادامه  
ناراحت: غمگین

## کلمات هم معنی

منتظر: چشم به راه

معلم: آموزگار

اتفاق: حادثه

تمیز: پاکیزه

پرسید: سؤال کرد

وارد شد: داخل شد

مثلاً: به طور مثال

پاسخ: جواب

مثل: مانند، شبیه

سرود خواندن: آواز خواندن

مواظبت: مراقبت

لذت نمی بردیم: کیف نمی کردیم

## کلمات هم معنی

مزد: پاداش

فکر: اندیشه

شروع: آغاز

ناچار: به اجبار

وانگهی: ناگهان

نجات: رهایی

باران شدیدی: باران تندی

چرا: علف خوردن حیوانات

زیادی: بسیاری

نگهداری: مراقبت

صاحب: مالک

نصیحت: پند و اندرز

حرف: سخن

درست کار: امانت دار